

نخستین رئیس‌ان مدرسه دارالفنون

دکتر احمد هاشمیان

تأسیس مدرسه دارالفنون، تحول عمیقی در سرنوشت فرهنگی، نظامی و علمی جامعه ایران بر جای نهاد. این مدرسه علاوه بر گشودن دریچه‌های نوین علم و دانش به روی مردم، خود پایه و اساسی برای روشمند کردن و نظام‌مند ساختن تشکیلات علمی-فرهنگی کشور، به شیوه‌های متداول در جوامع پیشرفته اروپایی شد. از این رو، این فهم در ایران غالب شد که وجود مدارس و نظامات منظم اداری، علمی، فرهنگی، نظامی و...، زمینه‌ساز توسعه امور و بهنجار ساختن فعالیتها خواهد شد و نظم اجتماعی نیز باید مبتنی بر کارایی، مطلوبیت و بهره‌مندی از توانمندیها و تخصصها باشد. بدین جهت، می‌باید اصول اصلی این فرهنگ را در مدارس و دانشگاهها آموخت و نه نزد پدران و اقوام به عنوان نزدیکان به دستگاه قدرت و منتقل‌کننده نور چشمیهای بی‌تجربه و دانش به امور اساسی و کلیدی جامعه!

بنابراین، ملاحظات مزبور از جمله دلایل وجودی اندیشه ایجاد و تشکیل مدرسه یاد شده گردید. دارالفنون ایران، در واقع تقلیدی از دارالفنون عثمانی بود که امیرکبیر توجه خاصی نسبت به اداره و پیشرفت کارهای آن داشت؛ زیرا اثرات آن را بخوبی در جامعه عثمانی و به هنگام حضور خود در آن کشور، دریافته بود. به همین دلیل، طرح آن را ضمن تدوین و تبیین، در ایران به مرحله اجرا آورد. این اقدام - که بر خواسته از گفتمان نظری و کارکردی امیر و همچنین، برخی از ضروریات جامعه ایرانی آن زمان بود - تحولات ژرف سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی را در کشور بر جای نهاد.

اجرای طرح تأسیس مدرسه دارالفنون - که بیش از سه سال به طول انجامید - شاید بزرگ‌ترین کار و ویژه‌عصر امیرکبیر بود که موجبات پایه‌گذاری نظام آموزشی و دانشگاهی نوین را سبب گشت. و از این روست که از امیر به عنوان بنیانگذار آموزش عالی ایران یاد می‌گردد. در ابتدا سرپرستی مدرسه، زیر نظر وزارت امور خارجه بود؛ به همین علت، محمدعلی خان شیرازی وزیر خارجه وقت، به عنوان نخستین مدیر آن انتخاب گردید. وی در مدت کوتاهی تا زمان مرگش در سال ۱۲۶۸ق. این سمت را بر عهده داشت. بعد از عزیزخان مکرزی، (۱) سردار کل (آجودانباشی کل نظام)، (۲) ریاست مدرسه را بر عهده گرفت و عبدالحسین خان فرزند علی نقی خان آجودان، به عنوان جانشین وی انتخاب شد. سپس میرزا محمدخان امیر تومان، (۳) علیقلی خان اعتضاد السلطنه، رضاقلی خان هدایت، علیقلی خان و جعفرقلی خان هدایت (نیرالملک) به ترتیب، عهده دار ریاست مدرسه تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ق.) بودند.

اندکی بعد، در سال ۱۳۱۵ق. رضاقلی خان پسر بزرگ جعفرقلی خان نیرالملک (نیرالملک دوم) و سپس محمدحسین خان ادیب‌الدوله و پسرش، محمدحسن خان (ادیب‌الدوله دوم) این سمت را به ترتیب بر عهده داشتند. بعد از آن تا سال ۱۳۳۶ش. مدیریت دارالفنون به ترتیب بر عهده دکتر مسیح‌الدوله، امیرخیزی، حداد، پروفیسور فاطمی، کلانتری، حاج عظیمی، پایور، دکتر کسائی، مقبل، تقوی و زهادی قرار گرفت. (۴)

علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، وزیر علوم (۱۲۹۸-۱۲۳۸ق./ ۱۸۸۱-۱۸۲۳م.)

علیقلی میرزا، پنجاه و چهارمین پسر از پنجاهمین زن فتحعلی شاه قاجار می‌باشد. وی از نزدیکان و افراد مورد اطمینان ملک جهان (مهدعلیا) مادر ناصرالدین میرزا بود. به همین جهت او بعد از مرگ محمدشاه در سال ۱۲۶۴ق. در تهران همه کاره مهدعلیا شد و تا آمدن ناصرالدین میرزا و ایلعهد به تهران و انجام تاجگذاری، زمام کارها را به مدت ۴۵ روز زیر نظر وی بر عهده گرفت. در سال ۱۲۷۲ق. لقب اعتضاد السلطنه به وی اعطا گردید و در سال ۱۲۷۴ق. به موجب فرمان ناصرالدین شاه، به ریاست مدرسه دارالفنون گمارده شد. محمدحسن خان اعتماد السلطنه، در کتاب خود در قسمت حوادث سال ۱۲۷۴ق. در این باره چنین نوشته است:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

ریاست کل مدرسه مبارکه دارالفنون را در ماه جمادی الاولی به نواب والا اعتضادالسلطنه واگذار و نواب معظم له را به خلعت همایون سرفراز فرمودند. (۵)

اعتضادالسلطنه با همکاری کریز، (۶) نخستین خط تلگراف را بین عمارت سلطنتی تا باغ لاله زار بنا کرد. مدتی بعد، وی دست به انتشار روزنامه "ملت سنیه ایران" زد که فقط ۲ شماره از آن منتشر شد. سپس روزنامه "ملتی" را در ۳۴ شماره و نیز روزنامه "علمیه دولت علیه ایران" را در ۵۳ شماره به زبانهای فارسی، عربی و فرانسه منتشر ساخت. اعتضادالسلطنه، در سال ۱۲۷۵ق. به لقب "وزیر علوم" مفتخر شد. همچنین به علت علاقه فراوانی که ناصرالدین شاه به وی داشت، در این باره می گفت:

تلت مردم ایران را عیقلی میرزا تربیت کرده است!

در سال ۱۲۷۹ق. به هنگام حکومت میرزا قلی خان در ملایر و تویسرکان، مالیات این ایالتها برای هزینه مدرسه دارالفنون در نظر گرفته شد. میرزا محمودخان احتشام السلطنه پسر علاءالدوله امیر نظام قاجار - که رابطه خوبی با اعتضادالسلطنه نداشت و مدت ۸ سال نیز به تحصیل در دارالفنون مشغول بود - درباره وی نوشته است:

اعتضادالسلطنه وزیر علوم - که مشغول عیش و عشرت و دارای اخلاق فاسده بود - دست به اصلاحی نزد و یا توانست بزند. اعتضادالسلطنه هم گویا در توطئه قتل امیر کبیر دست داشته است! (۷)

از میرزا قلی خان اعتضادالسلطنه، آثار و تالیفات زیادی به چاپ رسیده است:

۱- اکسیر التواریخ (۱۲۵۹-۱۲۵۳ق. ۸۸)

۲- وقایع و سوانح افغانستان، ۱۲۷۳ق. (یک بار به صورت چاپ سنگی و بار دوم به تصحیح هاشم محدث در انتشارات امیر کبیر به چاپ رسید)

۳- ترجمه و شرح آثار الباقیه عن القرون الخالیه که نخستین بار در پایان کتاب سوانح افغانستان بدان اشاره کرده است (۱۳۵۲)، به کوشش دانا سرشت

۴- تاریخ مراغه و رصدخانه، ۱۲۷۶ق. (دارای مطالب زیادی درباره تاریخ رصدخانه مراغه و زیجهای متعددی که تا زمان مؤلف به دست مسلمین نوشته شده است)

۵- تفصیل عیون الاخبار الرضا، ۱۲۷۷؛

۶- فلک السعاده در سال ۱۲۷۷ق. تألیف شده و در سال ۱۲۷۸ به چاپ رسیده است (کتابی در شرح حال ستاره شناسان یا منجمان)

۷- همکاری در تألیف جلد اول نامه دانشوران، ۱۲۹۴ق. که با همکاری ۴ نفر از دانشمندان آن دوره یعنی میرزا حسن طالقانی، حاجی میرزا ابوالفضل ساوجی، عبدالوهاب قزوینی و آقا شیخ محمد مهدی عبدالرب آبادی تدوین شد و در سال ۱۲۹۶ق. به چاپ رسید.

۸- المنتبین (۱۲۹۵ق.) کتابی است در بیان ظهور بایبه تا حادثه یکشنبه هجدهم شوال ۱۲۶۸ق. یعنی سوء قصد بایبه به جان ناصرالدین شاه. این کتاب را، اعتضادالسلطنه جهت تبرئه خود از اتهام به طرفداری از باب و بایگری نگاشته است (تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات بابک)

۹- شرح حال امامزادگان شهرری، ۱۲۹۶ق. شامل شرح حال امامزاده حضرت عبدالعظیم، امامزاده عبدالله و امامزاده حمزه، اعتضادالسلطنه، در این رساله از شیوه بنای ساختمان و سبک معماری مقبره ها، مطالب جالب توجهی نقل کرده است.

افزون بر اینها، وی رسالات متعددی دیگری هم دارد که تعدادی از آنها در دو مجموعه گردآمده، یکی در کتابخانه ملی ایران و دیگری در کتابخانه مجلس شورای ملی. این رسایل، به شرح زیر است:

۱- سؤال و جواب با حاجی محمد کریم خان شیخی (کتابخانه ملی)

۲- رساله ای است که اعتضادالسلطنه از گفتگوی خود با امیر نظام گرمسی در قریه حصار بوعلی، درباره ایران و وضع این منطقه تألیف کرده است (کتابخانه ملی)

۳- رساله در احادیث نبوی و اسامی قمر؛

۴- رساله ای در اوقاف و وقفهای لازم در قرآن، رساله فی الأوقاف اللازمة (کتابخانه ملی و مجلس)

۵- فصولی در علوم متفرقه از قبیل: بحث در طریق تعیین انحراف بلاد، اختراع بالن، علت حدوث رنگین کمان و مسائل علمی جدید (کتابخانه مجلس)

۶- منظومه مثنوی بر وزن لیلی و مجنون (کتابخانه مجلس)

۷- رساله در علم موسیقی (کتابخانه مجلس)

۸- اشعار و غزلیات (کتابخانه مجلس).

اعتضادالسلطنه علاوه بر کتابها و رسائلی ذکر شده، دارای چند اثر فرهنگی دیگری نیز بوده که از آن میان، چند رساله در قسمت شرح حال

خود، در همین کتاب ضبط کرده است. همانطور که گفته شد، در زمان تصدیگری وزارت علوم و نیز به هنگامی که کارهای چاپخانه و روزنامه هارا از سال ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۸ ق. برعهده داشت، چندین روزنامه نیز زیر نظر او و یا توسط خود او، منتشر شده است:

۱- روزنامه ملت علیه ایران، ۲ شماره؛

۲- روزنامه ملت سنیه ایران، ۲ شماره؛

۳- روزنامه ملتی، ۳۴ شماره؛

۴- روزنامه علمیه دولت علیه ایران، ۵۳ شماره (به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه).

اعضاد السلطنه، در سال ۱۲۷۵ ق. به وزارت علوم (فرهنگ) منصوب شد. در همین سال، ۴۲ نفر از دانش آموزان دارالفنون زیر نظر وی انتخاب و جهت ادامه تحصیل به فرانسه فرستاده شدند. از شیرین کاریهای در خور یادآوری او، به چوب بستن (فلک کردن) صحافیهای پس از بازگشت وی از فرنگ می باشد.

اعضاد السلطنه، در سال ۱۲۹۸ ق. درگذشت و او را در حرم حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از وی دو پسر به نام میرزا نورالله و محمدحسن خان میرزا بر جای ماند. در این سال پسر دومش (محمدحسن خان میرزا) به پیشخدمتی ناصرالدین شاه رسید و لقب "معتضدالدوله" گرفت.

علیقلی خان هدایت، مخبرالدوله (۱۳۱۵-۱۲۴۵ ق.)

علیقلی خان، پسر بزرگ رضاقلی خان هدایت (امیرالشعرا) می باشد. او در کودکی از شیراز، محل تولد خود به تهران آمد و در زمان سلطنت محمدشاه، حاکم فیروزکوه شد. وی به اصرار پدر خود - که کار نظامت دارالفنون را به عهده داشت - در سال ۱۲۶۸ ق. همراه با جعفرقلی خان (نیرالملک) برای تحصیل وارد آن مدرسه شد. خود او در این باره گفته است:

"با داشتن زن و بچه، فرصت زیادی برای تحصیل باقی نمی ماند. چند کتابی جمع کردم و کتابدار مدرسه شدم."

تا اینکه، در سال ۱۲۶۹ ق. به ریاست کتابخانه دارالفنون رسید. بعدها به تلگرافخانه وارد شد و در سال ۱۲۷۶ ق. به عنوان رئیس کل تلگرافخانه در ایران و معاون وزیر علوم انتخاب شد. در زمان وزارت تلگراف او بود که الکساندر هوتوم شیندلر (۹) انگلیسی اتریشی تبار به استخدام این وزارتخانه درآمد و با کمک وی بود که قدمهای بزرگی در کشیدن سیم و خطوط تلگرافی در ایران برداشته شد.

علیقلی خان مخبرالدوله، هنگام اقامت در اروپا (آلمان) همراه با میرزا رضاخان گرانمایه، سفیر وقت ایران در آن کشور، بعد از مذاکرات فراوان با بیسمارک، (۱۰) صدراعظم آلمان، موفق شد دو مستشار آلمانی برای آموزش نظامی و قشور در ایران استخدام کند. بدین ترتیب وت (۱۱) و فلمر (۱۲) به استخدام دولت ایران در آمدند و بعدها نیز به تدریس در مدرسه نظام دارالفنون پرداختند. پسر علیقلی خان، مهدقلی خان هدایت (حاج مخبر السلطنه) نیز در سالهای ۱۳۰۵-۱۳۰۲ ق. مترجم این دو نظامی آلمانی در دارالفنون شد.

پس از مرگ اعتضاد السلطنه، به موجب فرمان ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۸ ق.، رضاقلی خان به سمت ناظم مدرسه دارالفنون انتخاب شد. علیقلی خان - همان طوری که اعتماد السلطنه گفته - فردی راحت طلب و خوشگذران بود و سرانجام، در سن ۷۵ سالگی در سال ۱۳۱۵ ق. در تهران درگذشت.

میرزا محمود خان احتشام السلطنه پسر علاءالدوله امیر نظام قاجار - که خود مدتی در مدرسه دارالفنون به تحصیل مشغول بود - درباره رئیس آن مدرسه بخصوص در مورد علیقلی خان هدایت مخبرالدوله، چنین اظهار نظر کرده است:

"بالجمله. با نهایت آزادی که به مخبرالدوله مرحوم داشتم و صمیمیتی که با اولاد او دارم، خلاف مروت می دانم که نگویم مانع پیشرفت و عامل عقب ماندگی ایران، همین رجال سرشناس و معروف - که می توانستند و بهانه و اجازه و امکان باسواد کردن مردم را داشتند - بودند. این اشخاص، قدرت و فرصت داشتند که جوانان وطنخواه و درس خوانده و آگاه از حقوق ملت و روابط مردم با دولت در ممالک متمدن تربیت نموده و به جنگ جهل و یسواد و دیو استبداد و خودکامگی بفرستند و به این وظیفه ملی و دینی خود، عمل نکردند و در رأس این افراد، وزیر علوم و رئیس مدرسه قرار دارند که منصب و مسند وزارت علوم و ریاست مدرسه را اشغال و در خانواده خود موروثی ساختند و از تمام امتیازات و مزایای آن بهره مند شدند و می توانستند لااقل پنجاه هزار جوان تحصیلکرده و آگاه در این مملکت تربیت کنند که هریک یا چند تن از آنان، قدر و لیاقت اداره یک مدرسه را داشته باشند و در طی یک نسل، مردم شهرنشین ایران را به زیور سواد بیاریند و کشور را برای ورود به صف ممالک متمدن و پیشرفته، مهیا و آماده سازند و برای روزگاری که به همت و کوشش و فداکاری چند هزار تن مردم آزاده و وطنخواه، پادشاه علیل و ضعیف ناگزیر از امضای فرمان مشروطیت و تن دادن به تغییر رژیم و قبول و اعطای حق مداخله و نظارت ملت در اداره مملکت گردید. اگر طبقه ای باسواد و آگاه - که قدر و قیمت حقوق تحصیل شده را می دانست و فوائد و امتیازات نظام مشروطه را بر رژیم استبدادی و حکومت شخصی تمیز می داد - در ایران وجود داشت، محمدعلی شاه جرئت نمی کرد مجلس را به توپ بسته و رژیم تازه را سرکوب کند و نمی توانست با چند صد تن فزاق گرسنه و بیچاره، خانه آمال ملت را به فرمان سرکرده روسی، با توپ و گلوله ویران کند و در برابر چنان قدرتی تربیت شده ملی، موفقیت حاصل



کلاس درس دارالفنون در زمان مظفرالدین شاه

نماید.

با این توضیحات، خواننده به من حق خواهد داد که مخبرالدوله و پدر و برادرش را، با وجود دخالت و مسئولیت پنجاهساله - که به نام وزیر علوم و مسئول تعلیم و تربیت مردم ایران به عهده داشتند - آن هم در سالهایی که ممالک فرنگ به دوران تحول و تمدن قدم گذارد، ایشان که از تاریخ گذشته و حال کشورهای اروپایی آگاهی کامل داشتند، نه تنها به وظایف ملی و دولتی خویش عمل نکردند، بلکه علناً و با قصد و نقتضای قبلی، موانع بیشمار در راه تحصیل علوم و باسواد نمودن مردم ایجاد کردند و عوامل نمره یک و موانع اصلی پیشرفت و ترقی این مملکت شدند.

اولاد و احفاد مخبرالدوله، عموماً در اروپا درس خوانده و تحصیلات عالیه کردند و در میان پسران او، افرادی نظیر صنیع الدوله و حاجی مخبرالسلطنه، در نهضت مشروطیت و کوششهای آزادیخواهانه مردم ایران سعی قابل توجه کردند و مانند پدر مرحومشان، مورد احترام و ارادت من هستند. لیکن اعزام آقازادگان برای تحصیل به فرنگ، چیزی از بار گناه مخبرالدوله و برادر دیگرش نیرالدوله نمی‌کاهد. بلکه بالعکس، مانند مجرمی که خود واضع و مجری قانون مجازات مجرمین باشد، غفلت مخبرالدوله و فرزندانش در کار تأسیس مدارس و باسواد کردن کودکان و جوانان ایران، سند قصور و تقصیر بیش تر ایشان است. فلذا افراد این خانواده محترم، به تلافی مافات و جبران قصوری که از ناحیه اسلافشان نسبت به این آب و خاک شده است، در آینده انشاءالله از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نخواهند کرد و از هر موقع و فرصتی، با مجاهدت و پشتکار، غفلت اسلاف خویش را جبران نمایند. (۱۳)

میرزا محمدعلی خان شیرازی (۱۲۶۸-۱۱۸۶ق.)

میرزا محمدعلی خان شیرازی، نخستین سرپرست مدرسه دارالفنون بود. وی، به علت نزدیکی و خویشاوندی با میرزا ابوالحسن خان ایلیچی، در سال ۱۲۶۳ق. به سمت سفیر فوق العاده ایران در دربار فرانسه انتخاب گردید. در زمان صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر، چون وزارت امور خارجه زیر نظر مستقیم میرزا تقی خان بود، محمدعلی خان در ابتدا به عنوان معاونت آن وزارتخانه و در سال ۱۲۶۷ق. به سمت وزیر امور خارجه انتخاب شد و به جهت ارتباط معلمان خارجی مدرسه دارالفنون با

وزارت خارجه، وی به ریاست این مدرسه نیز نائل گردید. او تا زمان مرگش در هجدهم ربیع الثانی ۱۲۶۸ق.، عهده دار این سمت بود.

رضاقلی خان (نیرالملک دوم)

رضاقلی خان پسر بزرگ جعفرقلی خان نیرالملک، متولد سال ۱۲۸۸ق. می باشد. وی در سال ۱۳۰۰ق. پس از تحصیلات ابتدایی، به مدرسه دارالفنون وارد شد و در سال ۱۳۰۵ق. موفق به فارغ التحصیلی از رشته علوم فلسفه و ریاضیات از مدرسه مزبور شد. به همین جهت، از ناصرالدین شاه انعام دریافت کرد و بعدها در سال ۱۳۱۵ق. به ریاست دارالفنون رسید و محمدحسن خان (ادیب الدوله) - که سمت معلمی ریاضی آن را بر عهده داشت - به عنوان ناظم مدرسه انتخاب گردید. رضاقلی خان، از سال ۱۳۱۳ق. مدتی نیز به معاونت کل وزارت معارف و اوقاف و فواید عامه منصوب شد و در سال ۱۹۰۲، به علت خدمات فراوان فرهنگی، از فرانسه نشان گزیون دنور ملی با درجه شوالیه، دریافت کرد.

محمدحسین خان ادیب الدوله (۱۳۱۵-۱۲۵۱ق.)

محمدحسین خان، از شاگردان دوره اول مدرسه دارالفنون در رشته تویخانه بود. وی، تحصیلات خود را در سال ۱۲۷۸ق. به پایان رسانید. ابتدا به سمت آجودانی مدرسه منصوب گردید و در سال ۱۳۱۲ق. به لقب ادیب الدوله نائل گشت. وی، بین سالهای ۱۲۸۲ تا ۱۳۱۵ق. به مدت ۲۵ سال ناظم مدرسه بود و کلیه کارهای آن زیر نظر وی صورت می پذیرفت. سرانجام او در سال ۱۳۱۵ق. در سن ۶۴ سالگی در تهران درگذشت. بعد از مرگ وی، رضاقلی خان نیرالملک، پسر بزرگ جعفرقلی خان نیرالملک به عنوان رئیس دارالفنون انتخاب شد.

محمدحسن خان ادیب الدوله دوم (۱۳۱۳-۱۲۵۰ق.)

محمدحسن خان، پسر محمدحسین خان ادیب الدوله می باشد. وی، ابتدا به تحصیل در رشته تویخانه پرداخت و پس از مدتی خلیفه (دستیار معلم) ریاضی دارالفنون شد تا اینکه خود معلمی این درس را در آن مدرسه به عهده گرفت. در سال ۱۳۱۵ق. بعد از مرگ پدر، لقب ادیب الدوله گرفت و به عنوان ناظم مدرسه انتخاب گردید. وی، بعد از رضاقلی خان (نیرالملک دوم) ریاست دارالفنون را عهده دار شد. محمدحسین خان و محمدحسن خان ادیب الدوله با رضاقلی خان هدایت، رئیس و ناظم مدرسه نسبت خویشاوندی داشتند. سرانجام محمدحسن خان، در سال ۱۳۱۳ق. در سن ۶۳ سالگی در تهران درگذشت.

جعفرقلی خان هدایت، نیرالملک (۱۳۳۳-۱۲۲۷ق.)

جعفرقلی خان پسر دوم رضاقلی خان هدایت (امیرالشعرا) ناظم اول دارالفنون بود. وی به هنگام ناظمی پدرش در سال ۱۲۶۸ق. - که ۲۱ سال داشت - همراه با برادر خود علیقلی خان (مخبرالدوله) جهت تحصیل به دارالفنون وارد شد. آنها از دانش آموزان دوره اول رشته مهندسی در این مدرسه بودند. جعفرقلی خان، در سال ۱۲۷۶ق. به سمت کتابدار مدرسه و دو سال بعد در سال ۱۲۷۸ق.، به جای پدر به ریاست آن انتخاب شد. وی، تا سال ۱۳۱۲ق. ریاست دارالفنون را بر عهده داشت و به نام "خان رئیس" نیز معروف بود. در سال ۱۳۱۳ق. به سمت وزارت علوم رسید و تا سال ۱۳۳۳ق. با حفظ این سمت، اداره دارالفنون را زیر نظر خود بر عهده داشت؛ تا اینکه در سال ۱۳۱۵ق. پسرش رضاقلی خان (نیرالملک دوم) به ریاست مدرسه انتخاب شد. سرانجام، وی در سال ۱۳۳۳ق. در سن ۸۶ سالگی در تهران درگذشت. گفتنی است که پسر دیگر وی به نام کریم خان، (۱۵) در سال ۱۳۲۱ق. ۱۹۰۳/۱۹۰۲، توانست با نفوذ پدر و کمک وزیر مختار فرانسه در ایران، به مدرسه لیون فرانسه وارد شود.

رضاقلی خان هدایت، امیرالشعرا - الله یاشمی (۱۲۸۸-۱۲۱۵ق.)

رضاقلی خان، در شیراز متولد شد. در سن ۱۰ سالگی به تهران آمد. در سنین جوانی به دستگاه حسینعلی میرزا فرمانفرما و حسینعلی میرزا شجاع السلطنه، از پسران فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۱۸۵ق.) وارد شد و چون از ذوق شعری خوبی برخوردار بود، از فتحعلی شاه لقب "شاهی و امیرالشعرا" گرفت. بعدها در زمان ناصرالدین شاه به جهت توجه شخص شاه به وی، به سمت ناظمی مدرسه انتخاب شد و به مدت ۱۸ سال نیابت وزارت علوم و دو واقع، ریاست دارالفنون را بر عهده داشت. وی پس از افتتاح دارالفنون، دو پسر خود، علیقلی خان و جعفرقلی خان و نیز دو برادر خانم خود را به نامهای رضاقلی خان و نجفقلی خان برای تحصیل در آن مدرسه قرار داد. در سال ۱۲۷۷ق. - که مظفرالدین میرزا به ولیعهدی ناصرالدین شاه انتخاب شد - رضاقلی خان به سمت لاله یاشمی ولیعهد انتخاب گردید. سپس در سال ۱۲۷۹ق. به آذربایجان (محل اقامت مظفرالدین میرزا) فرستاده شد و بعد از بازگشت به تهران، به لقب "نیرالملک" ملقب گردید. در سال ۱۲۸۸ق. (۱۶) بعد از مرگ رضاقلی خان، لقب وی به پسرش جعفرقلی خان اعطا شد. از رضاقلی خان، دو پسر به نامهای علیقلی



محمد حسين خان اديب الدولة بزرگ



محمد حسين خان اديب الدولة

خان (مخبر الدولة) و جعفر قلی خان (نیر الملک) به یادگار ماند. همچنین وی دارای آثار فراوانی می باشد که از آن جمله اند: (۱۷)

- ۱- انوارالولایه در وزن مخزن الاسرار نظامی؛
- ۲- گلستان ارم معروف به بکتاشنامه؛
- ۳- بحر الحقایق بر وزن حدیقه؛
- ۴- انیس العاشقین؛
- ۵- خرم بهشت بر وزن تقارب؛
- ۶- هدایتنامه بر وزن رمل؛
- ۷- منتهج الهدایه؛
- ۸- رساله مدارج البلاغه؛
- ۹- مظاهر الانوار؛
- ۱۰- مفتاح الکتوز؛
- ۱۱- لطایف المعارف؛
- ۱۲- فهرس التواریخ؛
- ۱۳- اجمل التواریخ؛
- ۱۴- تذکره ریاض العارفین؛
- ۱۵- نژادنامه؛
- ۱۶- تذکره مجمع الفصحا؛
- ۱۷- اصول الفصول فی حصول الاصول؛
- ۱۸- فرهنگ انجمن آرای ناصری؛
- ۱۹- روضة الصفای ناصری در سه جلد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



* عکسهای ۱، ۲ و ۳ را، دوست گرامی جناب محمد مدنی به نگارنده اهدا کرده است و خود وی نسبت خویشاوندی با ادیب‌الدوله‌ها دارد و به فرموده او، این عکسها تاکنون در جای به چاپ نرسیده است. بنده نیز کمال تشکر را او می‌کنم.

فرزندان محمدحسین خان ادیب‌الدوله
 دکتر محمدحسین ادیب (نفر نشستہ)، دارای
 تحصیلات پزشکی در فرانسه و بعدها در سمت
 وزارت بهداشتی و دیگری، دکتر مصطفی ادیب (نفر
 ایستاده) که در رشته پزشکی دارالفنون در تهران
 درس خوانده و بعدها به شغل دندانپزشکی مشغول
 شده است.

بزرگ فرقه بابیه گردید.
 (مهدی بامداده شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، انتشارات زوار،
 ص ۱۳۷۱، ص ۳۳۲)

۴- وزیران معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در این دوران یعنی در طی
 سالهای ۱۲۷۵ تا ۱۳۳۸ ق. و زمان اشتغال به خدمت آنها، بدین ترتیب
 بوده‌اند (سالنامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۲۹۷ ق.،
 ص ۴۷)

- علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه (۱۲۹۴-۱۲۷۵)
- علیقلی خان مخبرالدوله (۱۳۱۴-۱۲۹۴)
- جعفرقلی خان نیرالملک (۱۳۲۳-۱۳۱۴)
- میرزا محمود خان علاءالملک (۱۳۲۵-۱۳۲۳)
- مهدیقلی خان مخبرالسلطنه (۱۳۲۵)
- میرزا محمود خان علاءالملک (۱۳۲۶)
- مرتضی قلی خان صبیح الدوله (۱۳۲۷)
- مهدیقلی خان مخبرالسلطنه (۱۳۲۷)
- میرزا حسن خان مشیرالدوله (۱۳۲۸)
- میرزا نظام الدین خان مهندس الممالک (۱۳۳۸)
- میرزا حسین خان مومنان الملک (۱۳۳۹-۱۳۳۸)
- مرتضی قلی خان صبیح الدوله (۱۳۳۹)

پی نوشتها:

۱- عزیزخان مکری، پسر محمدسلطان مکری و داماد میرزاعلی خان امیرکبیر
 بود. وی، به هنگام سلطنت محمدشاه وارد دستگاه دولتی شد و تا
 سالهای میانی سلطنت ناصرالدین شاه در مدت بیش از ۳۰ سال، سمتهای
 مهمی داشت. وی در زمان صدارت امیرکبیر به عنوان آجودان باشی
 کل قشون و در واقع جانشین وی انتخاب گردید. عزیزخان در سال
 ۱۲۶۹ ق. به لقب سردار کل ملقب شد و یک سال پس از فوت میرزا
 محمدعلی خان شیرازی، وزیر امور خارجه، ریاست مدرسه دارالفنون
 به وی واگذار گردید. او در سال ۱۲۸۷ ق. پیشکار ایالت آذربایجان شد
 و در شوال همان سال درگذشت.

۲- ظاهر آجودان باشی معادل کلمه Adjudanten می باشد که در دوران
 قاجار به سمت امیری اطلاق می شد و در اصطلاح امروزی، جانشین
 و قائم مقام امیرنظام به عنوان معاون فر مانده قوا بود.

۳- محمدخان امیرتومان (بیگلربیگی) با مسافرت عزیزخان مکری، سردار
 کل آذربایجان، اداره مدرسه دارالفنون را بر عهده گرفت. وی، پیش از
 رسیدن به ریاست مدرسه در سال ۱۲۶۶ ق.، به دستور ناصرالدین شاه
 مأمور سز کوبی ملا محمدعلی حاجت زنجانی (حجت) از رؤسای



جعفر قلی خان نیرالملک اول رییس دارالفنون
در زمان ناصرالدین شاه

۱۶- رضاقلی خان هدایت، در محلی که اینک سفارت ترکیه و آلمان در آن قرار دارد (خیابان فردوسی) به خاک سپرده شده است. این قسمت جزو املاک پسرش، علیقلی خان مخبرالدوله بود که در آن زمان به قول نوه اش، مهدیقلی خان مخبر السلطنه، صحرایی پیش نبود و در آن محل، تکیه ای ساخته شده بود. به علاوه در مانگاهی در آن تأسیس شد و منافع اجاره مغازه ها طبق وصیتنامه و وقفنامه، به وزارت بهداری و شیر و خورشید می رسید.

۱۷- احمد هاشمیان: تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، انتشارات سبحان، تهران ۱۳۷۹، ص ۱۴۸.

- میرزا محمدعلی خان علاء السلطنه (۱۳۲۹)

- میرزا ابراهیم خان حکیم الملک (۱۳۲۹)

- میرزا محمدعلی خان علاء السلطنه (۱۳۲۹)

- میرزا حسن خان مشیرالدوله (۱۳۳۰)

- میرزا ابراهیم خان حکیم الملک (۱۳۳۲-۱۳۳۳)

- میرزا نظام الدین خان مهندس الممالک (۱۳۳۳)

- میرزا ابراهیم خان حکیم الملک (۱۳۳۲-۱۳۳۳)

- شاهزاده امده الله میرزا شهاب الدوله (۱۳۳۴)

- مرتضی خان ممتاز الملک (۱۳۳۴-۱۳۳۵)

- میرزا حسن خان مؤتمن الملک (۱۳۳۵)

- میرزا ابراهیم خان حکیم الملک (۱۳۳۵)

- میرزا حسن خان وثوق الدوله (۱۳۳۵)

- مرتضی خان ممتاز الملک (۱۳۳۶)

- میرزا احمد خان نصیر الدوله (۱۳۳۸-۱۳۳۶)

۵- محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مرآت البلدان، جلد دوم، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ص ۱۲۹۴.

۶- Kreziz.

۷- خاطرات احتشام السلطنه، ص ۲۹.

۸- اعتضاد السلطنه، آکسیر التواریخ، به کوشش جمشید کیفور، انتشارات ویسمن، ۱۳۷۰، ص ۲۵.

۹- Alexander Houtom Schindler .

۱۰- Bismark .

۱۱- Wet . / Wett

۱۲- Felmer . / Flemmer

۱۳- خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید مهدی موسوی، انتشارات زوار، ص ۲۲۸.

۱۴- حاج میرزا ابو الحسن خان ایلچی، عموی میرزا محمدعلی خان شیرازی از اهالی اصفهان بود. وی در سال ۱۲۲۴ق. ۱۸۰۹م. به دستور فتحعلی شاه به عنوان سفیر دولت ایران به دربار انگلیس فرستاده شد. او پس از ۹ ماه اقامت در لندن، همراه با سر گور اوزلی (Sir Gore Ouseley) - که به جای سر هارفورد جونز (Sir Harford Jones) به سمت وزیر مختار دولت انگلیس در تهران انتخاب شده بود - با کشتی روانه ایران گردید. کشتی آنها - که راه را گم کرد و مدت ۷ ماه در آب سرگردان بود - پس از مدتی سر از برزیل (آمریکای جنوبی) در آورد. این مسافرت مدت ۱۶ ماه به طول انجامید. در این سفر، زمینه های همکاری وی با دولت انگلیس فراهم شد. دولت یاد شده نیز مالی ۱۵۰۰ تومان حقوق برای وی تعیین کرد و به عبارتی، او بیش تر برای دولت انگلیس کار می کرد تا دولت ایران!

(حسن مرسلوند: حیرتنامه، سفرنامه لندن ابو الحسن خان ایلچی، رسا، ۱۳۶۴، ص ۳۶۹)

۱۵- همانا طاق: ایران در راهبانی فرهنگی پاریس، انتشارات خاوران، پاریس ۱۹۹۰، ص ۲۶۲.

پرتال جامع علوم انسانی